خط خبر

■ سیدعباس صالحی درحکمی، محمود شالویی را به عنوان دبیر شورای هماهنگی پاسداشت زبان فارسی منصوب کرد. محمود شالویی، مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره حکم انتصاب خود به عنوان دبیر شورای هماهنگی پاسداشت زبان فارسی گفت: برابر این حکم لازم است مفاد مندرج در آیین‌نامه اجرایی قانون ممنوعیت به‌کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه مصوب ۱۳۷۸ و همچنین بند ۶ از اصلاحات انجام شده در آیین‌نامه اجرایی مصوب ۱۳۹۴ هیأت محترم وزیران که براساس مصوبه ۱۳۷۵ مجلس محترم شورای اسلامی تهیه، تنظیم و ابلاغ شده است، با جدیت بیشتری مورد پیگیری قرارگیرد و به همین منظور هم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است تا شورای هماهنگی پاسداشت زبان فارسی را تشکیل دهد./ روابط عمومی وزارت فرهنگ

■ کمیسیون کتاب‌ها برای صلح، به اتفاق آرا، استاد لوریس چکناواریان را شایسته دریافت جایزه ویژه سال ۲۰۲۰ این کمیسیون دانست و این جایزه ۱۲ سپتامبر سال جاری به او اهدا خواهد شد. کمیسیون

کتاب‌ها برای صلح که از سازمان‌های همکار سازمان جهانی یونسکو محسوب می‌شود و مقر آن در رم ایتالیا واقع است، از چندین سازمان غیردولتی از کشورهای مختلف تشکیل شده است که با سازمان یونسکو در زمینه گسترش فرهنگ صلح همکاری می‌کند./ ایرنا

یاد

امیرشهاب رضویان در دومین سالمرگ عزت‌الله انتظامی از خاطرات ۱۴ سال همراهی با آقای بازیگر می‌گوید

راحت گریه می‌کرد و راحت می‌خندید

نرگس عاشوری
خبرنگار

آشنایی‌شان به بهمن ۸۳ برمی‌گردد. در زمستان پربرفی که جرأت کرده بود سراغ بازیگری برود که از نوجوانی آرزوی همکاری با او را داشته. با دومین فیلمش («تهران ساعت هفت صبح») به‌عنوان کارگردان خودش را به شکل جدی به سینما نشان داده بود و همین فیلم امتیازی برایش بود تا شاید جواب بله آقای بازیگر را بگیرد. عزت‌الله انتظامی پشت تلفن گفته بود «آره، یه چیزایی ازت شنیدم، یه روز بیا خونه ببینم چی می‌گی». امیرشهاب رضویان از همان روز تا اسفند ۸۴ هر چند هفته یک بار راهی قیطریه شده بود تا بالاخره فیلمنامه به تأیید آقای انتظامی برسد. تمام لحظه‌های ساخت «مینای شهر خاموش» از همین رفت و برگشت‌ها تا حضور در بم و کسب سیمرغ بهترین بازیگری و بهترین کارگردانی از بیست و پنجمین جشنواره فیلم فجر برای امیر شهاب رضویان پر از خاطره است. او هم استعداد و شیرینی خاصی در روایت خاطرات دارد. لابد امیر شهاب رضویان با نکته‌سنجی به شناخت خوبی از خلق و خوی عزت‌الله انتظامی رسیده که همین فیلم بهانه‌ای می‌شود برای همنشینی و دوستی ۱۴ ساله. به بهانه دومین سالمرگ عزت‌الله انتظامی (۲۶ مردادماه) او در گفت‌وگو با «ایران» بخشی از این خاطرات را مرور کرده است.

■ فلورخانم، عزت آقاوخانه‌ای که هویت داشت

فلورخانم، عزت‌الله انتظامی و خانه‌شان ترکیبی هماهنگ بود. مجموعه جوایز آقای انتظامی در پذیرایی‌شان قرار داشت و همه اشیاء خانه قدمت داشت. جعبه‌های دستمال کاغذی هم حتی همان جعبه‌های مقوایی کلینکس قبل از انقلاب بود و فقط داخل آن دستمال جدید قرار می‌گرفت. خانه هویت داشت. بانوی این خانه، فلور خانم در تمام این سال‌ها یک زن همراه بود اما در پشت پرده. بازیگری تئاتر را کنار گذاشته بود و زندگی آرامی برای آقای انتظامی ساخته بود. هر وقت به رابطه‌شان نگاه می‌کردم بیش از هر چیزی گذشت و متانت این زن برایم جالب بود. عزت‌الله انتظامی طناز بود و البته در زندگی خانوادگی مهربان و البته مقتدر به قاعده مردان قدیم. اما از همه این‌ها مهم‌تر اینکه معقول زندگی کرده بود. به‌موقع بچه‌دار شده بود و حاصلش هم بچه‌های خوبی بودند. آقا مجید، آقا شهاب، آقا رامین که هر سه آدم‌های موفقی هستند. در یک کلام او، نمونه آدمی بود که معقول و درست زندگی کرده بود. از عزت‌الله انتظامی خیلی‌ها گفته‌اند و بسیار گفته‌اند. اما در این سال‌ها و دو سالی که از درگذشت او می‌گذرد کمتر کسی از فلورخانم گفته و خودش هم در این سال‌ها اهل گفت‌وگو نبوده. به همین خاطر دوست داشتم حرف‌هایم را با ادای احترام به زنی آغاز کنم که فضای امن مناسب کار را برای آقای انتظامی ایجاد کرد. نباید از تأثیرگذاری حضور ایشان غافل شد، عمرشان طولانی باد.

■ هرجا لازم بود خودش را خرج می‌کرد

از بهمن ۸۳ به بعد که طی پروژه «مینای شهر خاموش» با آقای انتظامی آشنا شدم، در همه این سال‌ها برای هر کار عام‌المنفعه‌ای که از او کمک خواستم نه نگفت. ماجرای مصطفی کرمی فیلمبردار جوانی که هنگام کار دچار برق‌گرفتگی شده بود و هر دو دستش را از مچ قطع کرده بودند را برایش تعریف کردم. گفت بریم ببینیمش. بعد از ملاقات بلافاصله با یکی دو نهاد تماس گرفت و سعی کرد تا دست مصنوعی قابل استفاده برایش تأمین شود. در مورد اصغر شاهوردی صدابردار قدیمی سینمای ایران هم که به‌دلیل سانحه رانندگی در یک فیلم، قطع نخاع شده بود هم به همین شکل عمل کرد. حتی اگر کاری از دستش بر نمی‌آمد، حداقل به دیدار همکار یا فرد آسیب دیده می‌رفت. او بدون اینکه بخواهد محبوب یا مشهور شود، هم محبوب بود و هم مشهور. هر جا که لازم بود خودش را خرج کند، خرج می‌کرد. تلخ‌ترین خاطره اما ماجرای بهنود شجاعی است. حوالی خرداد ۸۷ بود که در یکی از روزنامه‌ها نامه غم‌انگیز از یک جوان در آستانه اعدام چاپ شد. صبح فردا قرار بود اعدام شود. با آقای انتظامی تماس گرفتم و شرح ماجرا را گفتم. بغض کرد و گفت فردا پنج صبح اینجا باش با هم برویم اوین، شاید قبل از اعدام رضایت خانواده مقتول را بگیریم. خبر رسید حکم اعدام به تعویق افتاده است. چند شب بعد به اتفاق کیومرث پوراحمد، پرویز پرستویی و آقای انتظامی به خانه یکی از اقوام مقتول رفتیم. آقای انتظامی آنقدر با احساس، پدرانه و شاعرانه از رابطه پدر و فرزندی تعریف کرد که در نهایت مادر و پدر مقتول به گذشت رضایت دادند. آقای انتظامی اما تمام مسیر برگشت از ده ونک تا قیطریه را داخل ماشین گریه کرد. بدون اینکه احساسش را پنهان کند، خالصانه‌ترین نقش‌اش را به‌عنوان یک انسان بازی می‌کرد. فردای آن روز هم که تماس گرفتم همچنان احوالش منقلب بود. از این اتفاق خیلی خوشحال بود اگرچه متأسفانه با فضاسازی رسانه‌ها مشکلاتی برای خانواده مقتول پیش آمد که یکباره از بخشش انصراف دادند و صبح یک چهارشنبه پاییزی بالگد به چهارپایه دار زدند.

■ درست تشخیص می‌داد که کجا باید هزینه کند

خرداد ۸۵ فیلمبرداری بخش بم «مینای شهر خاموش» تمام شد. پسر عمویم سعید که هم مدیر تولید و هم مجری طرح بود در بم خواسته بود قسط دستمزد آقای انتظامی را پرداخت کند. گفته بود «لازم ندارم. دستتان خالی است. تهران که برگشتید پول من را هم می‌دهید.» از بم که برگشتیم پول من برای ادامه فیلمبرداری تمام شد. دو سه روزی به بچه‌ها استراحت دادم. نگفتم پول کم آوردیم. خودش تماس گرفت و پرسید امیرشهاب چرا شروع نمی‌کنی. گفتم آقای انتظامی واقعیت این است که پول ندارم، منتظرم جورش کنم. گفت چقدر می‌خواهی. گفتم بیست میلیون تومان که بخش تهران را تمام کنیم. پرسید رئیس فارابی کیست. گفتم آقای علیرضا رضاداد. گفت یک وقت ازش بگیر. زنگ زدم و منشی آقای رضاداد به حرمت آقای انتظامی برای فردای همان روز وقت گذاشت. رفتیم دیدن آقای رضاداد. ایشان هم خیلی محبت کرد. هیچ وقت ندیدم مدیری با آقای انتظامی خارج از ادب و احترام صحبت کند. گفت چه خبر. انتظامی گفت که سر فیلم امیر شهابم. گفت: چه خوب. انتظامی ادامه داد: آقای رضاداد فیلم خوبی میشه. گفت: خداروشکر انشاالله می‌بینیم. بعد از چند دقیقه جویا شد که: خب آقای انتظامی چه امری داشتین؟ گفت: این امیرشهاب، پولش تموم شده، بیست تومن بهش بده. رضاداد هم گفت: چشم. یک نامه دست‌نویس نوشتم و با دستور آقای رضاداد فردای همان روز پول را گرفتم. انتظامی هر جا که احساس می‌کرد می‌تواند مفید باشد دریغ نمی‌کرد، البته معمولاً هم درست تشخیص می‌داد که کجا باید از خودش خرج کند.

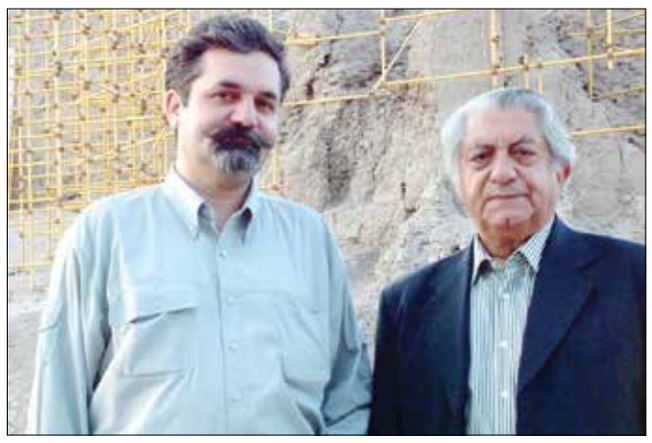

■ کلافه که بودم پرش نمی‌رفتم

نمی‌توان منکر مهربانی ذاتی‌اش شد اما در عین حال بداخلاق هم می‌شد. گاهی وقت‌ها که به‌شدت کلافه بود، من دَم پَرَش نمی‌رفتم. هر جایی که فکر می‌کرد غلط است بی‌تعارف می‌گفت. اگر می‌دید کاری با اصولش نمی‌خواند کلافه می‌شد و اعتراض هم می‌کرد. من نصف سن او را داشتم و طبیعی بود که با شک سر فیلم «مینای شهر خاموش» آمده است. ابتدای فیلمبرداری حدود پانزده بیست روز سخت داشتیم. سختگیری زیادی کرد. باید هر پلان را برایش اثبات می‌کردم. یکی از سخت‌ترین صحنه‌ها، سکانس دکور تونل قنات بود. به نظرش چندان جذاب نمی‌آمد اما فردای همان شب که عکس‌های دیجیتال آن روز را روی کامپیوتر دستی‌اش ریختم صدایم کرد و گفت: امیرشهاب فضای خوبی شده. گفتم: بله. گفت: فیلم خوبی میشه. گفتم: احتمالاً بشه. گفت: اذیتت کردم. گفتم: نه آقا شما بازیگری باید وسواس خودت را داشته باشی و من هم به‌عنوان کارگردان وسواس خودم را.

■ ایمیل زدن را یاد گرفت و لپ‌تاپ خرید

جالب است بدانید که انتظامی ۸۲ ساله یک دستگاه «لپ‌تاپ» داشت. ماجرای خرید لپ‌تاپ هم به دو سال قبل از ساخت فیلم بر می‌گشت. روی فیلمنامه که کار می‌کردیم من با لپ‌تاپم به خانه‌شان می‌رفتم. یک روز از من پرسید، این چه دستگاهی است. توضیح دادم که با آن ایمیل می‌زنم، عکس‌هایم را ذخیره می‌کنم و... همان روز برایش یک ایمیل ساختیم به آدرس entezami303@yahoo.com. به‌راحتی ایمیل زدن را یاد گرفت. با هم به پاساژ پایتخت رفتیم و یک لپ‌تاپ هم خرید. کار با لپ‌تاپ را یاد گرفته بود، عکس‌ها را برایش ذخیره می‌کردم. هر شب عکس‌ها را می‌دید. وارد اینترنت می‌شد، جست‌وجو می‌کرد، مطلب دانلود می‌کرد. هر روز هم که لپ‌تاپش را می‌بست دستمال کتان رنگی رویش می‌انداخت. با سلیقه تمام. بعد از دوسال هنوز همان پلاستیکی را که کمپانی روی صفحه کیبورد دوربین و بین مانیتور گذاشته بود سر جایش می‌گذاشت و با لپ‌تاپش محترمانه رفتار می‌کرد.

■ پرفورمنس بچه‌سنگلج در کاخ یونسکو

دلیل اینکه انتظامی، انتظامی شد و با هم نسل‌انش در جایگاهی ایستاد که برای نسل‌های بعدی دست نیافتنی به نظر می‌رسد، عشق به کار بود. بدون پول و دستمزد در تئاترهای متنوع کار کردند و همه پای کارشان ایستادند. تئاتر و بازیگری برایشان مهم بود. جدیت داشتند. آقای انتظامی هیچ وقت سر صحنه بازی بداهه کار نمی‌کرد. هر پلان برایش مهم بود. قبل از هر پلان می‌گفت «امیرشهاب تو رو به هر کی دوست‌داری فیلمت خوب بشه‌ها». یا اینکه دعا می‌کرد «خدایا خودت درستش کن، خوب بشه» مطمئن بودم هر بخش را ۱۰ تا ۲۰ بار مقابل آینه بازی کرده. قرار بود مراسم بزرگداشتش در سالن یونسکو در پاریس برگزار شود. متن زیبایی در مورد سابقه کاریش نوشته بود با عنوان «من عزتم بچه سنگلج». یک پرفورمنس که قرار بود در سالن یونسکو اجرا کند. دائم تمرین می‌کرد. بالغ بر ۱۰ بار فقط این صحنه را من ضبط کردم. متن را مرتب می‌خواند، روی تمام کلمات، تأکیدهایش، مکث‌ها، سکون‌ها و پایین و بالا بردن صدایش، راه رفتن و ایستادن و خیره شدن‌هایش تمرین می‌کرد. نگاه این گونه به کار می‌شود رمز ماندگاریت. هیچ‌وقت او را سر صحنه با موبایل ندیدم. گوشی همراهش خاموش بود. سر فیلم در خدمت فیلم بود. فقط روزی یک بار با فلورخانم صحبت می‌کرد.

■ راحت گریه می‌کرد و راحت می‌خندید

در عین اینکه یک وقت‌هایی جدی بود و آدم‌ها از او فاصله می‌گرفتند اما وجوه کودکانه وجودش او را شیرین می‌کرد. در بم هر آدم یک تراژدی داشت. هر کس خاطره‌اش از زلزله را که تعریف می‌کرد، او بغض می‌کرد و اشکش جاری می‌شد. هیچ وقت گریه‌اش را پنهان نمی‌کرد. به رسم مردان قدیم که دستمال پارچه‌ای در جیب می‌گذارند، دستمالش را در می‌آورد و گوشه چشمش را پاک می‌کرد. راحت گریه می‌کرد و راحت می‌خندید. طنز و روحیه شوخی داشت. آنقدر بزرگ بود که کسی نمی‌توانست برا و خرده بگیرد.

■ بیضایی و سمندریان گفتند سر کلاس نیا

زندگی آدمی مثل عزت‌الله انتظامی می‌تواند سرمشق نسل جوان باشد. نشان می‌دهد که با جیب خالی هم می‌توانی بزرگ شوی. همت آدم به مراتب از امکانات والاتر و تأثیرگذارتر است. انتظامی برای تحصیل که به آلمان می‌رود، هیچ پشتوانه مالی نداشته است. روزها در کارگاه صنعتی کار می‌کرده و شب‌ها درس هنر می‌خوانده. در چهل و چند سالگی با وجود اینکه بازیگر شناخته شده‌ای است به دانشگاه هنرهای زیبا می‌رود، بهرام بیضایی و حمید سمندریان که مدرس دانشگاه بوده‌اند با احترام از او می‌خواهند سر کلاس نیاید اما او کلاس‌هایش را ترک نمی‌کند و با نمره بسیار خوب پایان‌نامه‌اش را دریافت می‌کند. زندگینامه او را بخوانید. پر از قصه‌های زیباست.

تاریخ؛ چراغی روشن در تاریکی

ادامه از صفحه اول

ولی روزنامه و روزنامه‌نگار حوزه تاریخ باید سعی کند بدون غرض‌ورزی، حقیقت را منتشر کند تا دید خواننده را وسیع کند و خواننده‌های خود را مطلع کند. انتشار صفحه «ایران قرن» در روزنامه ایران براساس حوادث سال‌ها هم در این قالب ارزیابی می‌شود. این صفحه یا صفحات مشابه می‌تواند مردم را با تاریخ کشور خود آشتی دهد. روزنامه باید به سلیقه همه مخاطبان خود توجه کند؛ از تاریخ تا سیاست؛ ورزش، فرهنگ و هنر. کسی که تاریخ نداند مثل کسی است که خاطره‌ای از بچگی خود ندارد؛ تاریخ چراغی روشن برای طی مسیر است و با شناخت تاریخ، فرد می‌تواند مسیر خود را درست انتخاب کند ولی شرط کلی این مسأله داشتن تخصص، مطالعه و شناخت عمیق تاریخ، بی‌غرض بودن و بدون وابستگی جناحی نوشتن است. باید خاطره‌گویی را از علم تاریخ جدا کرد و آموزش تاریخ کار متخصص این حوزه است. در نوشتن گزارش‌های تاریخی باید به چندین منبع رجوع شود؛ تاریخ را باید در مجموعه یک روند دید؛ باید روزنامه‌نگار تاریخی اهل تحقیق باشد و بداند حقیقت نزد یک نفر نیست، حتی اگر آن یک نفر فرد مجربی باشد. تاریخی که نوشته می‌شود نوعی تحلیل و تفسیر است؛ باید همه عوامل تأثیرگذار در یک اتفاق چه مثبت و چه منفی را در نظر گرفت. اما در کنار اینها خبر امروز و واقعه امروز تاریخ فرداست. آن چیزی که امروز روزنامه‌نگار آن را روایت می‌کند، سند فردای تاریخ است؛ باید روزنامه‌نگاران در روایت یک خبر همه ابعاد موضوع را در نظر بگیرند و روایتی ناب و کامل از وقایع ارائه دهند. کار مورخان و روزنامه‌نگاران در ارتباط با هم تعریف می‌شود و باید هر دو نسبت به کار خود احساس مسئولیت کنند و به‌کار خود متعهد باشند. نوشتن از تاریخ و نوشتن برای تاریخ کاری ارزشمند است و مسئولیت سنگینی که باید آن را شناخت.

آزادگان دلدادگانی سرشار از صبر و معرفت

ادامه از صفحه اول

آنانی که دفاع مقدس را با همه وجود درک کرده‌اند، می‌دانند که رکن اصلی جهاد «معرفت» است. آن جوان و نوجوان بسیجی که در سال ۱۳۵۹ با مشاهده هجوم ارتش بعث به خاک جمهوری اسلامی و حمایت ابرقدرت‌های شرق و غرب و حمایت مادی بی‌حد و اندازه کشورهای مرتجع، پا در رکاب «جهاد» با متجاوزان نهاد، عارف عاشقی بود که از مرگ نمی‌هراسید. او دلداده مکتبی بود که این راه سخت را با «معرفت» طی کرده و حضور در جبهه‌های دفاع مقدس را رسیدن به مقصد مقصود می‌دانست. به‌گواهی تاریخ در صدر اسلام نیز بعد از آنکه پیامبر اکرم(ص) و تازه مسلمانان مراحل مختلف «صبر» را در مقابله با مشرکین، منافقین و اعراب جاهلی تحمل و طی کرده بودند، دستور «جهاد» صادر شد که نشان می‌دهد «صبر» لازمه و پیش شرط جهاد است. حضرت علی(ع) فرمودند: «الصبر من الایمان به‌منزله رأس من الجسد» چرا که می‌دانستند سختی جنگ و جهاد بسیار زیاد است و «ایمان» و «شجاعت» می‌خواهد تا در مقابل تیر و ترکش دشمن زانوها به لرزه در نیاید و دست و بازو توان نگه داشتن اسلحه و تیراندازی داشته باشد. این صحنه، عرصه نیایش مرگ و زندگی، مجروحیت و جانبازی، اسارت و سوختن و شهادت است و تنها کسانی می‌توانند در این صحنه حاضر باشند که با کسب «مقام صبر»، «مجاهد مقاوم» در راه خدا باشند.

همه ایثارگران در تداوم حفظ نظام جمهوری اسلامی نقش اساسی داشتند و در این میان آزادگان سرافراز نیز به‌عنوان اسوه‌های ایمان، ایثار و شکیبایی در جهت حفظ و حراست از آرمان‌ها و ارزش‌های اسلامی و انقلابی و دفاع از کیان این مرز و بوم و پیروی از ولی خویش، علاوه بر جانفشانی در عملیات‌های هجومی و دفاعی، سال‌ها «صبر و تحمل» شکنجه جسمی و تحقیرهای روحی و روانی را نیز در کارنامه اعمال خویش دارند. به فرموده امام خمینی(ره): «اسرا با استقامت و پایداری و پایمردی خویش به بنیانی مرصوص مبدل گشته‌اند که نه تهدید ابر قدرت‌ها آنان را به هراس می‌افکند و نه از محاصره‌ها و کمبودها به فغان می‌آیند... زندگی با عزت را در خیمه مقاومت و صبر بر حضور در کارخ‌های ذلت و نوکری ابرقدرت‌ها و سازش و صلح تحمیلی ترجیح می‌دهند.»[1] اینان همان فرزندان واقعی امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی هستند که حول محور روحانیت و سیدالاسرا مرحوم حاج آقای ابوترابی سال‌های اسارت را برای خود شیرین نگه داشته بودند. اگر از تک تک آزادگان عزیز سخت‌ترین راز اسارت را بپرسید، آن را فقط پگاه ماتم و دردی می‌دانند که دشمن بعثی شادمانه از بلندگوهای اردوگاه خبر رحلت امام خمینی(ره) را پخش کرد. آنها تا نیمه خردادماه ۶۸ همه دردها را به جان خریده بودند. اما داغ از دست دادن امام و پیشوای خود نتوانستند تحمل کنند و چنین واقعه دردناکی به هیچ وجه برای فرزندان صادق امام خمینی(ره)، پذیرفتنی نبود.

۳۰ سال از بازگشت آزادگان به وطن گذشته اما هنوز آثار آن شکنجه‌ها را بر تن رنجور خود داشته و بسیاری هم به خیل شهدا و جانبازان پیوستند ولی آنها همچنان دل در گرو آرمان‌های انقلاب اسلامی، امام راحل و رهبر بزرگوار دارند. به فرموده رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) «دوران اسارت، کوتاه شده قرن‌هایی است که انسان‌های با استعداد را تبدیل کرده است به الماس‌های درخشان»[2] به یقین با هیچ قلم و زبانی نمی‌توان ایمان، ایثار و شهادت این اسوه‌های صبر و مقاومت را به نگارش درآورد و بیان کرد چرا که قلم و زبان در این عرصه قاصر است. ولی یاد و خاطره بزرگ منشی و دلاوری‌های آنان همواره در تاریخ این مرز و بوم به‌عنوان برگ زرینی می‌درخشد و همه مردم و مسئولان ما خود را مدیون شهادت‌ها و روحیه ایثار و جهاد این پاک سیرتان می‌دانند.

۱- صفحه اما ج ص ۱۹۸
۲_ بیانات در دیدار جمعی از آزادگان ۱۳۹۷/۵/۲۵

با اتحاد به مقابله با رژیم صهیونیستی برویم

ادامه از صفحه اول

رژیم امارات باید از طرح چنین بهانه‌های ادعایی دست بردارد. مسأله فلسطین، مسأله‌ای نیست که کسی بخواهد ارزیابی سطحی از آن داشته باشد و با منافع شخصی و اهداف تنگ‌نظرانه آن را قربانی کند. قضیه فلسطین و رژیم صهیونیستی، قضیه حق و باطل است. قضیه رویارویی با یک دشمن مشترک به نام رژیم صهیونیستی است که نه فقط دشمن فلسطین که دشمن بشریت است. جای تعجب دارد که دولتی تصور کند از یک رژیم کودک‌کش که دست به هر نوع جنایتی می‌زند، اقدام خیر و منفعتی برای دیگران سر زند. داشتن نگاه‌هایی چنین سطحی به رژیم صهیونیستی بسیار سخیف است. امروز همه ما و همه امت اسلام باید در مخالفت با این اتفاق ننگین متحد باشیم و هرگونه ارتباط با این رژیم اشغالگر را که رژیمی تحمیلی است و هیچ تاریخ و ریشه‌ای در منطقه ندارد، محکوم کنیم. از نظر همه گروه‌های فلسطینی، اعم از حماس، فتح، جهاد اسلامی و تشکیلات خودگردان، چنین اقداماتی خیانت به مردم فلسطین و محکوم است. رژیم امارات با این توافق خود را قربانی امیال انتخاباتی دونالد ترامپ کرد. رئیس جمهوری امریکا که در آستانه انتخابات ماه نوامبر قرار دارد، نیازمند پرونده‌ای جدید بود که با آن بتواند رضایت لابی صهیونیستی در امریکا را جلب کرده و به آنها بگوید تمام تلاش خود را در سال‌های اخیر کرده تا امنیت رژیم صهیونیستی را فراهم کند. او با توافقی که بین ابوظبی و تل آویو صورت گرفت، به این هدف خود رسید. اما رژیم امارات در این میان قربانی شد. این باید زنگ هشداری برای سایر دولت‌های عربی باشد. ما از موضع برخی کشورهای منطقه همچون ایران، قطر و ترکیه تشکر می‌کنیم. اما در مقابل کسانی که در جشن پایه‌گذاری معامله قرن شرکت کردند، از جمله بحرین و رژیم امارات باید از همان زمان متوجه می‌شدند که مردم فلسطین هرگز حاضر به پذیرش این طرح نیستند و آن را همچون خنجری می‌دانند که با دست ترامپ در سینه آنها فرو شده است. آن مردم امروز رژیم امارات را نیز در همین راستا می‌بینند و متأسف هستند که خنجری دیگر را در سینه خود احساس می‌کنند که به دست دوستان منطقه‌ای‌شان بر پیکر آنها نشسته است. البته ملت فلسطین و می‌دانند که این موضع دولت‌ها است و همه مسلمانان همسو و همراه فلسطین هستند. ملت مسلمان، ملتی بیدار است و روزی پاسخ چنین اقداماتی را خواهد داد، چه اقدام رژیم امارات و چه اقدام هر کشور دیگری که بخواهد به بهانه‌های واهی دیگری دست به چنین اقدامی بزند. اما راهکار در قبال این اتفاق ننگین چیست؟ فلسطین و حامیان آن نباید بنشینند و منتظر محکوم کردن‌های کشورهای مختلف باشند و به تعداد این محکومیت‌ها افتخار کنند. همه ما باید با تمام قوا و امکاناتی که داریم، دست به حمله تبلیغاتی علیه چنین اقدامی بزنیم. قطع روابط اقتصادی با کسانی که دست به توافق زدند و افزایش فشارهای دیپلماتیک بر آنها می‌تواند راهکار مؤثری برای جلوگیری از اقدام‌های مشابه باشد. ما باید نشان دهیم که مردم در سراسر جهان اسلام مخالف این اقدام و اقدام‌های مشابه هستند و با طرح بهانه‌هایی همچون طرح الحاق دست از موضع حمایتی خود از فلسطین برنمی‌دارند و یکصدا می‌گویند رژیم صهیونیستی، رژیمی است که هیچ تعلقی به منطقه ندارد و نباید خود را مالک بخشی از آن بداند. این رژیم متعلق به این منطقه نیست و باید از آن کوچ کند.

شماره: ۵۵/۹۹/۱۲۳۳۶ تاریخ: ۹۹/۰۵/۲۶
شرکت خدمات حمایتی کشاورزی
آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای
نوبت اول
شرکت خدمات حمایتی کشاورزی وابسته به وزارت جهاد کشاورزی در نظر دارد حمل وتخلیه مقدار ۹۰ هزار تن انواع کود شیمیایی کیسه‌ای خود را ازمبدأ پتروشیمی لردگان به اقصی نقاط کشور، به پیمانکاران واجدشرایط از طریق برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای و سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) واگذار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی(توکن) را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
۱ شماره فراخوان و تاریخ انتشار آگهی مناقصه در سامانه: ۶۰۰۰۰۰۷۸۰۹۹۰۰۱۰۲ روز یکشنبه مورخ ۹۹/۰۵/۲۶
۲ نام و نشانی مناقصه‌گزار: شرکت خدمات حمایتی کشاورزی به آدرس: تهران خیابان گاندی جنوبی کوچه چهارم پلاک ۱ شرکت خدمات حمایتی کشاورزی
۳ هزینه خرید اسناد مناقصه: مبلغ ۵۰۰ ,۰۰۰ ریال می‌باشد که از درگاه بانکی موجود در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت انجام می‌گیرد.
۴ مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سامانه: از روز یکشنبه مورخ ۹۹/۰۵/۲۶ لغایت ساعت ۱۹ روز پنج‌شنبه مورخ ۹۹/۵/۳۰
۵ آخرین مهلت ارائه پاکت‌های پیشنهاد- بارگذاری در سامانه به‌صورت pdf- : تا ساعت ۱۸ روز دوشنبه مورخ ۹۸/۰۶/۱۰
لازم به ذکر است پیشنهادات ارسالی باید حداقل ۴۵ روز از تاریخ بازگشایی پاکات اعتبار داشته باشند.
۶ تاریخ گشایش پیشنهادها: روز سه‌شنبه مورخ ۹۹/۰۶/۱۱ ساعت: ۱۴ در سالن جلسات مناقصه‌گزار می‌باشد.
۷ مبلغ و نوع تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مبلغ ۵/۸۸۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال است که به دو صورت ضمانت‌نامه بانکی و یا فیش واریزی به شماره حساب شبای IR ۲۵۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۳۹۷۰۴۰۰۵۷۹۱ نزد بانک مرکزی از طریق دستور پرداخت ساتنا با شناسه واریز ۳۰ کاراکتری ۳۵۸۰۳۹۷۸۲۲۶۳۵۰۰۶۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۶ قابل ارائه می‌باشد.
۸ آدرس و زمان تحویل اصل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: اصل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع (الف)علاوه بر بارگذاری در سامانه، می‌بایستی به‌صورت فیزیکی و در پاکت دربسته و ممهور، تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۹۹/۰۶/۱۰ به اداره حراست مناقصه‌گزار در آدرس فوق‌الذکر تحویل و رسید دریافت شود.
ضمناً جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید ضمن تماس با شماره تلفن ۰۲۱-۸۴۸۳۱۰۱۸ به آدرس اینترنتی شرکت www.assc.ir و آدرس پایگاه ملی اطلاع‌رسانی مناقصات http://iets/mporg.ir نیز مراجعه فرمایید.
شماره تماس پشتیبانی سامانه: ۰۲۱-۴۱۹۳۴ دفاتر ثبت‌نام در سامانه: معرفی شده از سوی اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان تهران
روابط عمومی و امور بین‌الملل شرکت خدمات حمایتی کشاورزی

آگهی تغییرات شرکت پالایش نفت جی سهامی عام
به شماره ثبت ۲۱۷۹۹۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۹۳۳۶۱
به استناد صورتجلسه هیأت‌مدیره مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سیدمحمد ایمان رحیمی فر به شماره ملی ۰۳۸۶۳۵۲۷۱۲ به جای مهدی سنانی‌فرد به شماره ملی ۰۰۶۸۶۷۲۷۱۳ به نمایندگی از شرکت سرمایه‌گذاری اهداف به شناسه ملی ۰۱۰۳۸۰۸۸۱۳ به عنوان عضو هیأت‌مدیره برای بقیه مدت تصدی انتخاب گردیدند. سمت اعضا هیأت‌مدیره بقرار ذیل می‌باشد: شرکت مجتمع صنعتی نفت و گاز صباکنگان به شناسه ملی ۱۴۰۰۴۷۷۵۹۰ به نمایندگی محمدرضا مدری اصفهانی به شماره ملی ۰۰۵۶۶۰۸۹۰۹ به‌عنوان رئیس هیأت‌مدیره- شرکت توسعه نفت و گاز صباکارون به شناسه ملی ۱۴۰۰۴۶۷۸۹۸۴ به نمایندگی مجید اعظمی به شماره ملی ۲۸۷۲۷۲۰۴۵ به‌عنوان مدیر عامل و نایب رئیس هیأت‌مدیره- شرکت سرمایه‌گذاری اهداف به شناسه ملی ۰۱۰۳۸۰۸۸۱۳ به نمایندگی سیدمحمد ایمان رحیمی‌فر به شماره ملی ۰۳۸۶۳۵۲۷۱۲ به‌عنوان عضو هیأت‌مدیره- شرکت خدمات پشتیبانی آتیه فرز انگان اهداف به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۰۱۲۶۰ با نمایندگی هادی امیرشقاقی به شماره ملی ۱۳۷۶۶۷۹۲۰۵ به‌عنوان عضو هیأت‌مدیره- شرکت فاوا نفت صبا کیش به شناسه ملی ۱۰۱۰۹۸۰۲۱۳۲۳۰ با نمایندگی علی سیفیان به شماره ملی ۰۰۶۱۲۰۰۶۵۴ به‌عنوان عضو هیأت‌مدیره انتخاب برای بقیه مدت تصدی انتخاب گردیدند. کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از قبیل چک، سفته، برات و قراردادها و عقود اسلامی با امضای مدیرعامل و یکی از اعضای هیأت‌مدیره همراه با مهر شرکت و همچنین مکاتبات اداری و عادی صرفاً با امضای مدیرعامل با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
اختیارات هیأت‌مدیره در خصوص بند ۳۷ اساسنامه به‌شرح زیر به مدیرعامل تفویض گردید: نمایندگی شرکت در برابر صاحبان سهام، کلیه ادارات دولتی و غیردولتی، مؤسسات عمومی، مراجع قضایی و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی، - ارائه پیشنهاد در مورد ساختار سازمانی و آیین‌نامه‌های داخلی شرکت به هیأت‌مدیره، - تهیه، جاری‌سازی و تصویب آیین‌نامه‌های داخلی شرکت، دستور العمل‌ها و رویه‌ها و گزارش آن به هیأت‌مدیره. - پیش‌بینی و پیشنهاد بودجه سالانه شرکت به هیأت‌مدیره، - تأسیس و انحلال نمایندگی‌ها یا شعب و شرکت‌هایی که سهام آنها متعلق به شرکت می‌باشد در هر نقطه از ایران و خارج از ایران و انتخاب مدیران آن‌ها، - دریافت مطالبات و پرداخت دیون شرکت، - انعقاد قرارداد برای معاملات شرکت در چارچوب آیین‌نامه معاملات مصوب هیأت‌مدیره ضمناً خرید و فروش کالا در بورس از این قاعده مستثنی است، - اخذ وام (ریالی و ارزی) از بانک‌ها و مؤسسات رسمی با رعایت مقررات اساسنامه شرکت و با تصویب هیأت‌مدیره، - اقامه هرگونه دعوای حقوقی و کیفری و دفاع از هر دعوای حقوقی و کیفری اقامه شده، در هر یک از دادگاه‌ها، دادسراها، مراجع قضایی یا غیر قضایی اختصامی یا عمومی و دیوان عدالت اداری، از طرف شرکت، دفاع از شرکت در مقابل هر دعوای اقامه شده علیه شرکت چه کیفری و چه حقوقی در هر یک از مراجع قضایی یا غی